

به هر که کرد خيانت در اين خراب آباد
دهند منصب و پاداش ماى تويى

يحيى جواهرى

شماره ۵ شماره مسلسل ۵۳ سال پنجم چنگاښ سرطان ۱۳۹۶ گډوډى

گردن مقاله

هر لحظه پول های هنگفتی به خاطر کارهای ناروا و حرام به مصرف می رسد و اسراف می شود... به طور مثال: کرایه گرفتن میلیونی کانتینرها و بند ساختن جاده ها توسط آنها، چاپ تصویرهای زوردارها و زردارها و لیش کردن آنها درهرجا و درهرچیز... حتی در عقب صندوق کثافات و دروازه «بیت الخلا» -- اصلی ترین و مناسب ترین مکان تصویرهای آنچنانی -- اما در بازارهای «دیوارستان» و حتی شهر کاهپول، نقشه افغانستان عزیز، مانند سایر ضروریات مردم، به شکل تاریخ گذشته و با بدترین کیفیت آن یافت می شود... جای شکر است که یافت می شود! چند روز پیش نقشه افغانستان نازنین را کار داشتیم. آنرا از عقب موانع بی معنای وزارت اطلاعات و کلتور بدون دقت و با اطمینان از صحیح بودنش؛ خریدم... در خانه متوجه شدم که نقشه از سال ۱۳۷۷ شمسی یعنی زمان حکومت طالبان بر کابل است. تشکیلات اداری اش ترشیده است. غلطی های املایی فراوان و شکم سیر دارد... و از همه مهمتر این که خط فرضی دیورند که در تمام نقشه های ما به شکل نقطه نقطه (.....) نشان داده می شود، دراین نقشه مانند خطوط سایر سرحدات ما نشان داده شده است. تصویرهای زر و زوردارها نو به نو چاپیده می شود و به زور در هرجا و هرچیز چسپانده می شود؛ اما نه به افغانستان توجه می شود و نه به نقشه اش!

لیلام دې زنده باد وي

رازقي نړيوال

په ښه مود برابر ور په کي اخلم لباسونه
لیلام دې زنده باد وي
رابښي ډول ډول د نړۍ راته مودونه
لیلام دې زنده باد وي
پروا نه کړي که هر څومره سکسي او مینه ژوب وي
د وینې که د خوب وي
دا شرم او حیا دې افغاني زیاتي په توب وي
د وینې که د خوب وي
خوښېږي چې ارزانه په کي شته دي کتلاکونه
لیلام دې زنده باد وي
له موده غورځېدلی نن هغه زاړه کالي دي
ملي که اسلامي دي
اوس دواړه یو شان شوي د نجلۍ که د زلمي دي
ملي که اسلامي دي
دا ځکه ښه سمپل دی په کي کېږي تقلیدونه
لیلام دې زنده باد وي
قول لوڅي، سینه لوڅي دي وی خیر دی، دي ارزانه
ارزان ښه دي له گرانه
اورده وي او که لنډ وي خو خوښېږي مې بی شانه
ارزان ښه دي له گرانه
دا ځکه تخنپوي او لمسوي چې هوسونه
لیلام دې زنده باد وي
زما پرې څه که دا دی فرهنگي بد استعمار
پرديو نه رویکار
زما سیالي پرې جوړه ده که کار دي د اغیار
پرديو نه رویکار
نن ما ته غنیمت دي چې مې کم دي معاشونه
لیلام دې زنده باد وي
غریب یم وس مې نه رسي دې نوو لباسوته
په مود جوړو کالو ته
زما تن پرې پتېږي زه یې نه گورم پلموته
په مود جوړو کالو ته
سبا بیگا یې ځکه نو کوم دا سلامونه
لیلام دې زنده باد وي

خبر روده دراز

میم. خزان

مادراندر بمب ها در کابل به آزمایش گرفته شد.

در روز پنجم ماه مبارک رمضان از سوی افراد «ناشناس» و «رحیم جهانی» و «انوش»، مادراندر بمب ها در یکی از پسکوچه های قلعه بندان شهر کابل، آزمایش گردید.

این درحالی است که چندی پیش در ولایت همیشه بهار ما، مادر بمب ها از سوی کشور امرگاہ آزمایش گردیده بود.

خبرکش ما دراین رابطه مصاحبه اختصاصی را با زیرپرست معاون معاون زیرپرست سخنگوی زیرقوماندان قوای سه گانه انجام داده است که چشمان شاریده تان را به آن می چسپانیم:

- چرا از انفجارات جلوگیری نمی کنید؟

- ما خو بزرگ نیستیم که بفامیم کی از کجا، چطور و چرا، گی و برای چی حرکت می کند و می آید... کف دست مان را خو بوی نکده ایم که بفامیم... در پیشانی اش خو نوشته نیس... باز اگه نوشته هم باشه، کو سواد که بخوانیم؟! فرض کو نوشته باشه... به کدام زبان نوشته خات بود؟! به زبان های رسمی، ملی ویا بین المللی؟! به کدام خط... خط نستعلیق، خط کوفی، خط نسخ؟! اگه با خط شکست نوشته باشه، خواندنش بسیار مشکل اس...!

- پس چرا شهر کابل را به ناحق و بی معنی با موانع کانکریتی و ریگی و آهنی و کانتینرها مسدود کرده اید؟

- خوب کده ایم...!

- بعضی از صاحب نظران نظامی گفتند که امکان دارد راکت دوربرد بوده باشد ویا هم بمب؛ اما شما شله استید که مواد انفجاری و فرد انتحاری بود. مردم گپ کی را بپذیرند؟

- مردم استخاره کنن و ببینن که گپ کی درست اس...!

- چرا اینبار ماتم ملی را دیرتر اعلان کردید؟

- اگه قرار باشه که ماتم ملی بگیریم، هر روز در کشور ماتم اس... باز در دفعه های قبلی در کجا به گپ ما اهمیت دادن و ماتم ملی ره رعایت کدن؟! - چی پیام دارید؟

- مردم بفامن که این انفجار نه اولی بود و نه آخری خات بود... از بی بی اندر و بابہ اندر بمب ها توبه کنید!

خبر سرشورانک

به خاطر شاد ساختن ارواح کشته شده گان حوادث اخیر و تسلی دادن به بازمانده های شان، سه روز ماتم ملی در سراسر دیوارستان اعلان گردید.

قتل های عام و کشتارهای دسته جمعی در نقاط مختلف کشور توسط مخالفان سیاسی شوهر بی بی گل، ایور شاهگل، ننوی ماهگل، زن ایور ضیاگل، ماماخسر بوبوگل، کاکاخسر قندی گل... صورت گرفته است. به همین مناسبت در روزهای ماتم ملی، مراسم ختم و خیرات با نشر و پخش بدون وقفه سریال ها و رقص های گمراه کننده در دفترهای تلویزیون های طفیلی و تف طفیلی برگزار گردید.

خبرکش دیده درای ما گزارش می دهد: این درحالی است که در زیر پرچم های سرخم، یکعده با گردن شیخ، به رقص و پایکوبی پرداختند... اما اینکه آیا «ساز» از بیگانه بود ویا خیر... معلوم نیست و گفته می شود که به خاطر آشکار شدن و ارزیابی موضوع، یک کمیسیون با صلاحیت تشکیل گردیده است.

آفرین، صد آفرین،

چه میگی، چه می کنی

به اجازه فضلیار

آفرین! عینی ها و غینی ها، یک زمانی برنج را نمی شناختند...

صد آفرین! حالا غوری های پراز برنج و گوشت را در زباله دانی می ریزند...

آفرین! مردم از مفلسی، زنان خود را رها می کنند...

صد آفرین! عینی ها و غینی ها از پول مردم، زنان ششم و هفتم و هشتم و هشتم ونیم را گرفته راهی استند...

هزار آفرین! «گرل فرند»ها و «دوست دختر»های شان که سر زلف های چرک و کشت کرده گی شان کشال است...

آفرین! زن خودت را در هفتاد پرده می پیچانی...

صد آفرین! سایر زن ها را در هفتاد پرده ساز می رقصانی...

آفرین! فرزندان دلبدت را به نام تحصیل به خارجه روان می کنی...

صد آفرین! اولادهای مردم را در تظاهرات به روی سرک های کانتینربندان می کشی تا دموکراسی در عمل «پیاده» شود...

آفرین! پسران دیگران برای ساعت تیری به «دوبی» و «لندن» و «لاس ویگاس» می روند...

صد آفرین! پسر این بیچاره گک و مظلومک برای ساعت تیری به «کانتینر» رفته بود...

هزار آفرین! وقتی معشوقه اش در کانتینر مُردار شد، به زور پاپای خود، در دیوارستان سه روز ماتم ملی اعلان کرد...

بی‌داری

نویسنده: پاول نیگویسکو (رومانیا)

ترجمه: شاد روان جلال نورانی (طنزهایی از چهار گوشه جهان)
پیشروی دروازه فابریکه، پاسبان موتوری را که از فابریکه خارج می شد، متوقف ساخت و به دریور گفت:

- در عقب موتر در این جوال بزرگ چیست؟
- علف.

- زیاد است؟

- خودت می بینی، یک بوجی.

- هوم یک بوجی، بسیار بد است. از کجا گرفتی؟

- از چمن فابریکه.

- پایین کن، نمی گذارم ببری.

- چرا؟

- برای اینکه مال فابریکه است. کسی حق ندارد علف های

فابریکه را بی اجازه ببرد و به گوسفند های خود مفت بدهد.

- خواهش می کنم، اقلأً اجازه بده نیم آنرا ببرم.

- عجب، پس مرا اینجا برای چی مقرر کرده اند؟ تو می خواهی

بنشینم و تماشا کنم که چگونه مال دولت را می دزدند؟ نخیر.

پایین کن، بوجی را برده نمی توانی.

- خواهش می کنم، اینقدر سختگیر نباش.

- گفتم بوجی را پایین کن. قطعاً اجازه نمی دهم.

دریور با خلق تنگی بوجی پر از علف را پایین کرد.

- حالا می توانی بروی.

وقتی که موتر از آن منطقه دور شد، دریور لبخند می زد. او با خود

گفت:

- پاسبان وظیفه شناس را خوب احمق ساختم. خیال می کند با

بی‌داری وظیفه اش را انجام داده، درحالی که من از فابریکه یک

موتر را دزدیده با خود بیرون کشیدم.

اطلاعیه کاریابی کابینه عین و غین

مسافر

از آنجایی که بعد از شطارت های زیاد و جار و جنجال های خیابانی اینک توانستیم حکومت وحدت زردک- ملی را در عمل پیاده سازیم و وجب به وجب اراضی سی و چهار ولایت کشور را با ولسوالی های آن و نیز سفارت ها به شکل «فیفتی فیفتی» تقسیم کرده ایم. بنابراین از اشخاصی که دارای تحصیلات عالی باشند و از فابریکه عین و غین سند فراغت داشته باشند و همچنان عضو حزب شان باشند، شمولیت آنان در پست های معاونیت دوم چوکیداری پذیرفته می شود؛ زیرا بست ها و چوکی های مهمتر به وابسته گان عین و غین اختصاص داده شده است. شرطنامه را ملاحظه کنند، تضمین اخذ می گردد.

جاده ها خالی ست، خالی

به کمپوز آهنگ شادر وان احمدظاهر: «جاده ها خالی ست، خالی»
و «آسمان خالی ست، خالی»، زمزمه بفرمایید.

جاده ها خالی ست، خالی

موتر والگا کجاست؟

درب کتابخانه است بسته

مردم دانا کجاست؟

کوچه ها کانتینر بندان، مهمان از هوا آمد

راکت در مهمانخانه خورد، امنیت ما کجاست؟

افسران پهلوی هم در جاده ها صف بسته اند

آخر آن همکاری و همیاری اش با ما کجاست؟

«عین» و «غین» پهلوی هم در چوکی ها چسپیده اند

شده همه گی سرپرست، «جان کری» کاکا کجاست؟



زمین های سرکاری و زیرکاری غضبیده شدند
حالا نوبت به غضب هوا فرا رسیده است،
همسایه هایش چگونه اجازه داده اند؟!



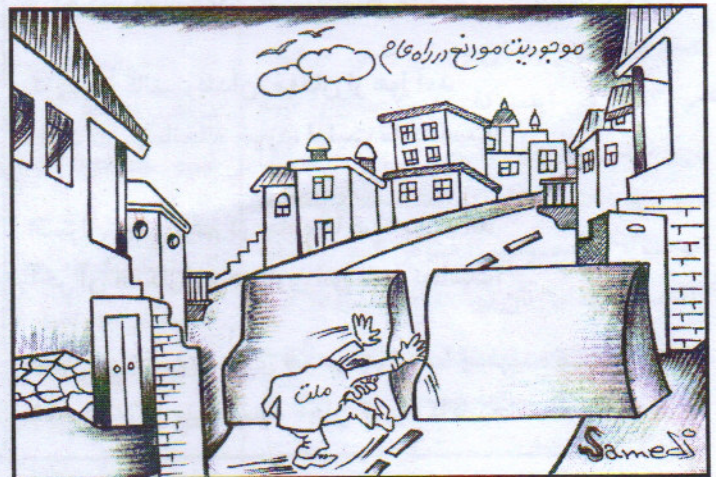
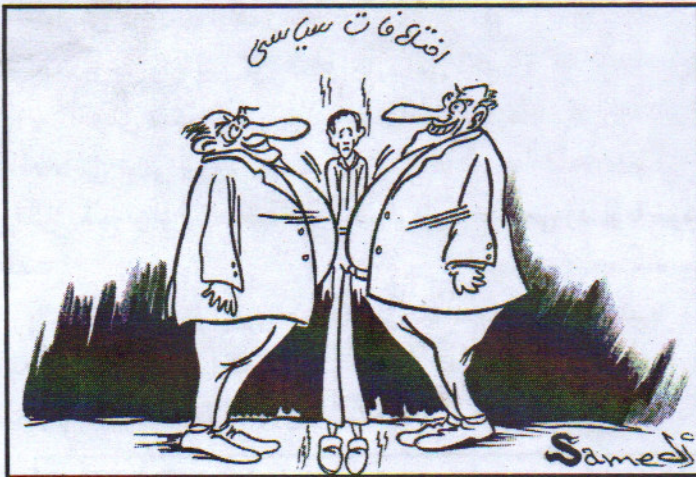
بیشک وزارت حج و اوقاف...؟!

ارسالی: حاجی محمد صابر فقیرزاده

رخصتی های انفجاری

انجنیر غلام سخی توخی

- انفجار ذریعه ماین چسپکی، نیم روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه ماین کنار جاده یی، نیم روز رخصتی عمومی.
- انتحاری واسکتی، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه راکت های مختلف، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه هاوان غرنی، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه کفیدن سرگلوله، نیم روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه موتر کثافات، پنج روز رخصتی عمومی.
- انتحاری ذریعه بوت ها، سه روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه نارنجک، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه فیرهای هوایی، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه فیرهای زمینی، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه فیرهای کوچه یی، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه فیرهای مقابل، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه فیرهای مظاهره یی، پنج روز رخصتی عمومی.
- انتحاری ذریعه دایپر (پمپرز)، یکروز رخصتی عمومی.
- انتحاری ذریعه لنگی، پنج روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه بمب بیلری، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه مادر بمب ها، پنج روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه شوهر بمب ها، سه روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه خانم بمب ها، سه روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه خواهر بمب ها، سه روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه خشوی بمب ها، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه پدر کلان بمب ها، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه ننوی بمب ها، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه ننه بوی بمب ها، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه ایور بمب ها، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه خسر کلان بمب ها، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه قده های بمب ها، سه روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه بمب دستی، یکروز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه بمب خوشه یی، سه روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه بمب صوتی، دو روز رخصتی عمومی.
- انفجار ذریعه موتر بمب، سه روز رخصتی عمومی.
- سرانجام انفجار ذریعه بمب اتم، برای چندین سال رخصتی عمومی.



سال تاسیس:

عقب چک های چاه و سیم های خاردار ماه حوت ۱۳۹۱ شمسی

قیمت یک شماره:

دیزاین و چاپ مطبوعه ایازی-کابل برابر به نیم دانه پوقانه چرکستانی (۹۰) افغانی

آچار خربوزه را از این محلات می توانید به دست بیاورید:

✓ نماینده گی انجمن نویسندگان افغانستان، جوار پارک تیمورشاهی

✓ کتابفروشی بیهقی، جوار وزارت اطلاعات و کلتور

✓ غرفه بیهقی جوار مسجد نعمان بن ثابت، مارکیت مکروریان سوم

زیر نظر گروه نویسنده گان

به غیر از گردن مقاله، ملامتی سایر نوشته ها به

شماره تماس: ۰۷۶۶۶۶۷۸۸۹ دستکول و خریطه نویسنده گان آن می باشد

شماره ثبت در وزارت اطلاعات و کلتور: ۱۱۶۹ / ۲۸ حمل ۱۳۹۲ شمسی

آچار خربوزه اعلانات تجارتی شما را در بدل پول افغانی می چاپد

تیراز: ۵۰۰ نسخه achar_kharboza@gmail.com